

# جرم داریم تا جرم

[نمایشنامه]

آگوست استریندبرگ  
برگردان محمود گودرزی



انتشارات نیلا

## پرده‌ی یکم

### صحنه‌ی یکم

بالای معبرِ درختانِ سرو در گورستانِ مونپارناس<sup>۱</sup> پاریس.  
عقبِ صحنه مقبره‌هایی‌ست که روی سنگ آن‌ها نوشته شده  
«اُ کروکس! اُوه اسپس اونیکا!»<sup>۲</sup> و همچنین بقایای یک  
آسیای بادیِ مخروبه و پوشیده از بیچک.

زنی خوش‌لباس در برابرِ گوریِ آراسته‌به‌گل زانو زده و آهسته  
دعا می‌خواند.

ژن گویی در انتظارِ کسی به این سو و آن سو قدم می‌زند.  
ماریون با گل‌های خشکیده‌ای که از روی تلّ خاک برداشته،  
بازی می‌کند.

کشیش در انتهای معبر قدم‌زنان کتاب‌دعایش را می‌خواند.

نگهبان [وارد می‌شود و به سمت ژن می‌رود] آهای با شمام، این‌جا زمین  
بازی نیست.

ژن [بی‌دفاع و تسلیم] من این‌جا فقط منتظرِ یه نفرم که الان می‌آد...

نگهبان خیلی خُب، ولی حق ندارین گل‌ها رو بچینین.

ژن [به ماریون] گل‌ها رو بنداز، عزیزم.

کشیش [جلو می‌آید. نگهبان به او ادای احترام می‌کند] یعنی این بچه حق نداره

با گل‌هایی که رو زمین افتاده‌ن بازی کنه؟

1- Montparnasse

2- O Crux! Ave Spes Unica!